دکتر گل حسن لغاری[1]1

پیر سید حسام الدین راشدی
دانشمند و پژوهشگر ممتاز زبان و ادب فارسی

چکیده :

مقالهٔ حاضر را همکار محترم برای ویژه نامهٔ « پیر حسام الدین راشدی» تهیّه و ارسال داشته بود . امّا به علّت تأخیر در وصول ، موفق در نشر در شمارهٔ 90 فصلنامه نشده بودیم ، و اینک جهت استحضار خوانندگان ارجمند تقدیم می داریم. درین گفتار آثار گرد آورده و منتشر شدهٔ پیر راشدی فقید بدین ترتیب معرفی شده که از لحاظ تان می گذرد:

1 – مثنوی چنیسر نامه ، 2 – مقالات الشعرا، 3 – مثنوی مظهر الآثار ، 4 – تذکرهٔ تکملهٔ مقالات الشعرا، 5 – مثنویات و قصائد قانع تتوی، 6 – هشت بهشت ، 7 – تاریخ مظهر شاهجهانی ، 8 – منشور الوصیت و دستور الحکومت ، 9 – ترخان نامه ، 10 – مکلی نامه ، 11 – **حدیقهٔ** الاولیا، 12 – تذکرهٔ **روضهٔ** السلاطین و جواهر العجائب (با دیوان فخری هروی) ، 13 - 16 تذکرهٔ شعرای کشمیر (در چهار بخش / مجلد)، 17 – تحفهٔ الکرام (تاریخ سند). همچنین دو کتاب تألیف شده به اردو و یک اثر بزبان سندی نیز در این گفتار مجملاً یا به طور مفصل معرفی شده است که بیانگر سهم پژوهشی و علمی پیر راشدی در احیای متون فارسی در شبه قاره بخصوص در سرزمین تاریخی سند می باشد.

***

پیر سید حسام الدین راشدی از خانواده سادات تعلق دارد که در اصل آنها مقام روحانی داشته اند و در دهکده بهمن ، بخش لارکانه ، استان سند سپتامبر 1911م درین جهان چشم کشود. دربارهٔ مصاحبه با سید حسام الدین راشدی ، دکتر محمد حسین تسبیحی نوشته (1) « بعد از درس فارسی گلستان شیخ سعدی علیه الرحمه ، بوستان یا نصیحت نامه شیخ ، پس یوسف و زلیخای جامی ، و اسکندرنامهٔ نظامی و بهار دانش به فارسی خواندم و اندک اندک در زبان فارسی متبحر گشتم. علاوه بر این کتابهای فارسی ، یک کتاب نصاب را که جد من برای یاد گرفتن زبان فارسی تألیف کرده بودند، خواندم جد من در دهکدهٔ بهمن ، مدرسه یا مکتب خانه ای بنا کرده و مردمان را در آن درس می داد و من هم از آن مردم بودم و چه بسا که بزرگان علم و ادب از آن مدرسه بیرون آمدند. از زبان فارسی به عربی پرداختم و آن را خوب یاد گرفتم... پس از یاد گرفتن این زبانها، به سوی تاریخ و فرهنگ و ادب و هنر این زبانها مخصوصاً زبان فارسی و سندی روی آوردم به طوری که اکنون تقریباً همه تألیفات من ، بغیر از چند تای آنها، به زبانهای فارسی و سندی می باشد . .. اکنون 41 سال است که همواره خامه به دست دارم و مقاله و کتاب و دفتر سیاه می کنم و این عشق من است که اگر ننویسم افسرده و غمناک

می گردم . او می گفت : من به فارسی به حد اعلی عشق می ورزم زیرا این عشق یادگار جد و پدر من است »

پس ، ما می بینیم که پیر راشدی به زبان و ادب فارسی عشق بسیار می داشت و خدمات پیر راشدی به این ذوق و شوق فارسی بوجود آمدند و مطالعات عمیق این عالم وادب شناس وادب پرور ممتاز فارسی در این مرز و بوم افتخار دارد و این حقیقت روشن است که پیر راشدی در صحنهٔ ادب فارسی و ایران دوستی معروف ترین شخصیت شمرده می شود . او بسیار دوستان ایرانی می داشت. و به ایران بارها رفته و بخصوص مقامات فرهنگی ودانشگاههای ایران را دید و با استادان و محققان دربارهء موضوعات علمی و ادبی و فرهنگی بحث و مباحثه نموده و به تحقیق و پژوهش ادامه می داد. خدمات پیر راشدی از آثار علمی ، تاریخی و فرهنگی که در زبان و ادب فارسی نوشتنند و گرد آوردند چند اثر ازین قرار است :

1 – مثنوی چنیسر نامه (2) 1956م – ادراکی بیگلار (متوفی 1019هـ) این مثنوی ، در سال 1010 هـ تألیف شده است و این محتوی به داستان عشقیه محلی سند است . پیر راشدی پیش لفظ به زبان سندی نوشته است که 67 صفحه دارد و دربارهٔ اهمیت تاریخی و ادبی این مثنوی بحث محققانه کرده است (3)

2 – مقالات الشعراء 1957م (تذکرهٔ شعرای (4) فارسی گوی سرزمین سند)

این تألیف میر علی شیر « قانع » است که حاوی شرح احوال و آثار 719 نفر شعرای فارسی گوی سند است. پیر راشدی ، این تذکره را با مقدمه و تصحیح و حواشی آراسته است و درین تذکره بسیار عرق ریزی کرده و تصحیح و حواشی نوشتن ، پژوهش دقیق کرده است. احوال و آثار مؤلف را با تحقیق نوشتن فهرست مصادر که در تصحیح و تحشیهٔ این کتاب استفاده شده حاوی به کتابهای ، نسخه های خطی ، کتب مطبوع تاریخ ، تاریخ ادب و سوانح ، و دواوین وکتب اشعار ، فهارس و معاجم ، لغت ، مجلات وغیره 136 است (5) . سال تألیف این تذکره سال 1174 هـ است.

پیر راشدی خود می گوید : «و اینک این کتاب گرانبها که زوایای تاریک تاریخ ادب فارسی را درین سرزمین روشن می کند، به ارباب علم وادب تقدیم می دارد (6)

پیر راشدی،درین تذکره فهرست و شرح دربارهٔ عکسهای ملحق شده ، می گوید : « که برخی ازان بعد از کنجکاوی و جستجوی زیاد بدست آمده است چند تصویر نخستین بار در این کتاب طبع و نشر می شود » (ص 32)

درین تذکره می بینیم که پیرراشدی به نوشتن حاشیه آیه ها و رکوع ها و سورتهای کلام مجید را نمایان می کند و هرجا که نامهای علماء و نویسندگان معروف آمده، آنجا تاریخ ولادت و وفات و ذکر آثار و کتب آنها نوشته است . از قبیل امام غزالی (ص551) مولانا قوام الدین کرمانی (ص 552)،علامه جلال الدین دوانی (ص553)، عاشق صفاهانی (ص 390) ، مولانا عبدالخالق گیلانی (ص945) شیخ عبدالله انصاری (ص 74) وغیره .

پیر راشدی در تذکرهٔ مذکوره حاشیه و تعلیقات سوانح حیات و کارنامه های فاتحین ، امراء ، بادشاهان و شهزادگان گردآورده است که پژوهش گران ازان مستفیض شوند، مثل اینکه به بهلول لودی سلطان (ص 86) ، ظهیر الدین محمد بابر (ص 82)، چنگیز خان (ص 271)، هولاگو خان (ص 271) ، همایون بادشاه (ص 850) ، شاهجهان بادشاه (ص 323) ، فرخ سیر (ص 177) و نیز عکسهای

خطی، بابر میرزا کامران ، داراشکوه ، و خوش نویس معروف امیر عطاء الله حسین بن میر فضل الله ، هم الحاق شده است که عمده ترین ذوق علمی و ادبی پیر راشدی را اظهار می کند و خوبصورت ترین معیار تألیف و تدوین را نشان می دهد.

3 – مثنوی مظهر الآثار 1957م سید شاه جهانگیر هاشمی (متوفی 946 هـ)

سید جهانگیر هاشمی این مثنوی در جواب مخزن الاسرار (970هـ)و مطلع الانوار (698 هـ) و تحفهٔ الاحرار (886 هـ) سروده و بنابر آن در ترتیب ابواب نیز زیاده تر پیرو تحفهٔ الاحرار است (مقدمه ص 41)

این مثنوی اولین کتاب خمسهٔ هاشمی است وی اراده داشت که در جواب مثنویات نظامی و جامی ، مثنوی های دیگر جداگانه نویسد. پیر راشدی در مقدمه نوشته است که : « بعد از ختم این مثنوی، تا مدت شش سال دیگر نیز هاشمی در سند ماند، ولی گویا مثنوی دیگر را ننوشت ، واگر هم نوشته باشد غیر مشهور مانده ، و نسخه ای از آن بما نرسیده است » (ص 41)

پیر راشدی مقدمهٔ این مثنوی را با کنجکاویهای بسیار نوشته است و آغاز از «نگاهی به عصر زندگانی هاشمی » می کند و می گوید : « قرن دهم هجری برای ایران وسند مصدر انقلاب های مهمی گردید. در ربع اول این قرن از آسیای میانه ، سه قوهٔ جدید ظهور کرد که موجب انقلاب و پیکارهای سیاسی شد. از یک طرف شاه اسماعیل صفوی ؛ از سجاده مذهبی برخاسته و بر تخت شاهی نشست. از سوی دیگر محمد خان شیبانی با دشنهٔ خون آشام ، از شمال شرق برآمد ، و شهرهایی را غارت کرد ، گردنهای را برید ، و بساطهای کهنه را بکلی درنوردید.

سلطنت بزرگ تیموریان آسیای میانه بعد از مرگ سلطان حسین بایقرا بادشاه هرات 912 هـ) رو بزوال نهاد و شهزادگان تیموری چنان پراگندند، که مستقری برای خود نتوانستند یافت و تنها از بین ایشان بابر مردی بود ، که بعد از کشمکش های فراوان در احوال خیلی سازگار مقاومت کرد، و بطور قوهٔ ثالث در تاریخ مقامی را اشغال نمود» (مقدمه ص 9)

سید جهانگیر هاشمی در پایان مثنوی « در مقام تسلیم ورضا مراد خود را در ارادهٔ حق جل و علا فانی ساخته» می سراید (8)

بنده که راضی بقضای خداست	در همه حال از همه عالم رضاست
صاف دلانی که چون من بیغش اند	با بد و نیک و خوش و ناخوش خوشند
از صورِ مختلفِ کاینات	آئینه تغییر نباید بذات
«هاشمی» از هرچه رسد شادباش	فارغ ازین دیر غم آزاد باش
هرکه رضا داده بتقدیر دوست	جمله جهان تابع تدبیر اوست
هرکه شد از قوت قناعت قوی	یافت ز حق پرورش معنوی

پیر راشدی به تدوین و به تصحیح این مثنوی سعی و کوشش این قدر نمود که حین طبع این کتاب یک نسخهٔ خطی در دستش بود ، که از روی آن متن کتاب چاپ گردیده. بعد از ختم طبع دو نسخهٔ

خطی دیگر، از دانشگاه پنجاب بدستش آمده و بعنوان « اختلافات نسخ و زواید» ، در پایان از ص 151 تا ص 183 تشریح داده شده است.

4 – تذکرهٔ « تکملهٔ مقالات الشعراء»: تألیف مخدوم محمد ابراهیم «خلیل» تتوی متوفی 1317 هـ) س.ا.ب کراچی 1958م.

پیر راشدی ، بعد از تذکرهٔ مقالات الشعراء « قانع » این « تکملهٔ مقالات الشعرا» را به تصحیح و حواشی از گوشهٔ تاریکی و گمنامی برآورد و به نظر ارباب ذوق و دانش رسانید. «تقریظ» این تذکره علامه فقید آقای سعید نفیسی ، دانشمند بزرگ ایرانی نوشته شده و او درین ضمن می گوید : «خوشبختانه از روزی که « سندی ادبی بورد» باهتمام خاص گروهی از زبدهٔ دانشمندان و سخنوران پاکستان در کراچی تأسیس یافته است درمیان کتابهای بسیار مهم و بسیار سودمند که تاکنون انتشار داده اند، توجهی خاص به شعر فارسی درین سرزمین کرده اند. دوست دانشمند کریم فیاض من آقای پیر حسام الدین راشدی درین کار بسیار مهمی سعی فراوان دارد. ... طبع و نشر این کتاب که تکملهٔ آنست واحوال واشعار هشتاد و یک تن سخن سرای دیگر سرزمین سند را در بردارد گماشته است... بدین جهت من صمیمانه و صادقانه از اعضای دانشمند و دانش نواز « سندی ادبی بورد » و بیش از همه از دوست بزگوارم پیر حسام الدین راشدی بنام همه ایرانیان و دوستداران زبان فارسی ازین بذل همت و جهد در راه علم و ادب سپاس گزارم و حسن سلیقه و کثرت اطلاع و وسعت نظر و مجاهدت وی را تهیهٔ مقدمهٔ عالمانه و حواشی و تعلیقات و فهرست هایی که بر رونق این کتاب بسیار افزوده است ، می ستایم و بقا و کامیابی این سرچشمهٔ فیاض را از ایزد تبارک و تعالی مسئلت دارم(ص 18 ، 19 ، 20)

پیر راشدی مقدمهٔ این کتاب احوال و آثار مخدوم «خلیل» تتوی با تفصیل نوشته است و می بینیم که مخدوم « خلیل» پروردهٔ محیط مردم صاحب سلوک و طریقت و اهل عرفان و ایقان بودند (9) در دودمان خود «خلیل» نیز پدرش (ص 515) برادرش (ص 509) وغیره شعرا بودند.

حاشیه های و تعلیقات این کتاب، پیر راشدی با تفصیل و تشریح نوشته است و نسب نامهٔ 1 – حضرت ابوالقاسم نقشبندی ، 2 – مخدوم ابراهیم « خلیل» ، 3 – حضرت میر صاحب میر نظر علی ، 4 – مخدوم محمد هاشم تتوی (ص 43) و دیگر نامور شعرای و بزرگان نیز ملحقه است که پیر راشدی با سعی و کنجکاویهای بسیار آورده است . نیز عکسهای مقبره و کتیبه های مزار میران سند قبر میر نصیر خان ، کتیبه میر نصیر خان (ص 104) تصویر و مزار شهدادخان حیدری (ص 159) و نیز کتیبه مزار ابوالقاسم نقبشندی (ص 186) و نمونهٔ خط های دیگر شعراء وغیره شامل درین کتاب هستند.

5 – مثنویات و قصائد « قانع » تتوی 1961م س.ا.ب کراچی / حیدرآباد

میر علی شیر « قانع » تتوی (متوفی 1203 هـ) درین مجموعه سه تا مثنوی سروده (10) است. (1) مثنوی گل از بهار قضا (قضا و قدر) (2) قصاب نامه ؛ 3 – محبت نامه .

پیر راشدی تعارف این مجموعه ، در زبان سندی نوشته و این مثنوی ها و قصائد در سال 1167 هـ سروده شده است و دیگر مثنویهای به این موضوع قضا و قدر از دوره زمان شاه عباس (960 – 930 هـ) از نورالله ضیا اصفهانی و طالب آملی (م 1035 هـ) و حکیم رکنا کاشی (م 1066 هـ) و باین طور هجده (11) شعراء مثنوی ها بعنوان « قضا و قدر» سروده اند.

تفصیل قصاید درین مجموعه باین قرار است :

- قصیده در نعت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) (2) (ص 47 تا 49)
- قصیده در منقبت حضرت علی المرتضی (18) (ص 61 تا 174)
- قصیده مصنوعه بطور لغز در مدح حضرات خمس (ترجیع بند) (2)
(ص 178 تا 187)
- قصیده بسوق لغز در تعریف ماه صیام (ص 190)
- ترجیع بند در نعت حضرت محمد مصطفی (صلعم) (2) (ص 222 تا 226)
- مخمس در منقبت حضرات علیهم السلام (ص 231 تا 234)

درین مخمس حمد ، نعت و منقبت علی المرتضی ، امام حسن علیه السلام ، امام حسین علیه السلام ، فاطمهٔ الزهرا سلام الله علیها ، امام زین العابدین علیه السلام ، امام محمد باقر علیه السلام ، امام جعفر صادق علیه السلام ، امام موسی کاظم علیه السلام ، امام علی رضا علیه السلام ، امام محمد تقی علیه السلام ، امام علی نقی علیه السلام ، امام حسن عسکری علیه السلام ، امام مهدی آخرالزمان ،

6 – هشت بهشت : از ملا عبدالحکیم «عطا» تتوی (1085 – 1118 هـ) س . ا.ب حیدرآباد 1963م)

این مجموعه مثنویها درمیان سال 1085 هـ - 1118 هـ نوشته شده .

پیر راشدی ، مثنویهای « عطا» تتوی و به تصحیح متن ، حاشیه و با مقدمه (سندی 159 صفحه) شرح حال شاعر ، اجداد ، تعین عهد، و وضع سیاسی آن زمان ، آثار « عطا» وغیره با تفصیل بحث کرده است.

مثنویات هشت بهشت (12) (متن)

1 – مثنوی روح رضوان بهشت اول 1085 هـ در تتّبع « حدیقهٔ سنائی غزنوی»
2 – مثنوی حظ الجنان 1127 هـ، در تتّبع بحر « بوستان سعدی »
3 – مثنوی کنز الاحسان 1110 هـ در تتّبع بحر مثنوی « یوسف زلیخا»
4 – مثنوی نورالاعیان 1117 هـ ، در بحر مثنوی تحفهٔ العراقین خاقانی شروانی
5 – مثنوی حصن الامان 1118 هـ ، در بحر معروف مثنوی « مخزن الاسرار»
6 – مثنوی بحر العرفان 1090 هـ در بحر « سبحهٔ الابرار » جامی
7 – مثنوی حرز الایمان 1090 هـ در « بحر مثنوی مولانا رومی »
8 – مثنوی عجز و نیاز 1117 هـ - در تتّبع مثنوی « محمود و ایاز»

زلالی خوانساری (م 1024هـ) که ملک الشعراء شاه اسمعیل کبیر بود .

آخرین مثنوی « عطا» است و درین مثنوی « عطا» حالات شخصی را اظهار می کند و تأسف می برد که عمرش به هفتاد و هشتاد سال رسیده، بی سود و رایگان گشته و می گوید (13) (ع.عدد 70 ف . عدد 80)

میان عین و فا مرکب رساندم — ولی، از مرکبی برجا نراندم
درین مدت که در غفلت بسر شد — بسا مشق خیالاتِ هنر شد
ولی، کاریکه می شاید ، نکردم — بخود نفع آنچه می باید ، نکردم

مناجات فی ذکر حال خود ، به رسیدن مطلوب خود می گوید :

خدایا هستیمَ ، حادث نبوده است   کسی بر خلقتم ، باعث نبوده است

ترا پروای خلق من ، نبوده   مرا پروای جان و تن، نبوده

ز هستی بی خبر افتاده بودم   ز مردن زیستن ، آزاده بودم

نه بر سر داشتم بار امانت   که فارغ بودم از اخذ و اهانت

توام از غیب کردی آفرینش   ز دانش بهره ام دادی و بینش

بسر گردش بعالم پا نهادم   نه اما پای خود بر جا نهادم

کریما، اکرما ، مشکل کشایا   رحیما ارحما، حقا، خدایا

7 – تاریخ مظهر شاهجهانی : تألیف یوسف حسن میرک ابن میر ابوالقاسم « نمکین » بهکری (س.ا.ب1962م)

در این کتاب 1044 هـ تألیف شده و به احوال وضع سیاسی و اجتماعی سند دورهٔ ابتدائی مغولها احاطه می کند و دربیان احوال ولایت سند از بهکر تا به تهته موجود است. پیر راشدی مقدمه این تاریخ به اردو نوشته و 76 صفحه دارد و بتدوین و تحشیه این تاریخ و احوال و آثار مؤلف از 23 کتابهای خطی و چاپی استفاده کرده (15) است . در تعلیقات (16) شخصیتهای مهم را روشن کرده و با تحقیق نشان داده شده که سی (30) است .

8 – منشور الوصیت و دستور الحکومت : میان نور محمد والی سند در حدود سال 1163 هـ نوشته شد. 1964م

این کتاب میان نور محمد کلهوره ، فرمانروای سند، برای پند و نصیحت فرزندان خود نوشته است و خود می گوید (17) : « پس ، باید که برخورداران کامگاران نشیب وفراز زمانه را گفته شود که آگاه بوده ، دل از دنیای دون اندکی سرد کنند ، و متوجه بارگاه الهی شوند»اصل کتاب 27 صفحه دارد. پیر راشدی تعارف به 42 صفحات نوشته است وکنجکاویهای 45 معروف ترین کتابهای خطی و چاپی کرده است. هشت ضمائم هم نوشته که مهم ترین از آنها سه مکتوب راجع به جنگ جهوک (18) است.

میان نور محمد کلهوره دیندار اهل تسنن بوده . او اول به عبادت تلقین می کند که « نیم شب عادت کنند که : دعای نیم شب رفع صد بلا بکند (ص 2 متن) دوم – دربارهٔ اهل بیت اطهار می فرماید : « محبت اهل بیت همیشه و همه وقت یکسان باشد و محبت ذوالقربی فرض عین وعین فرض».

بجز حب ایشان نباشد نجات   که حبل المتین اند در مهلکات

)

متن

ص

(3

9 – ترخان نامه : تالیف سید میر محمد بن سید جلال تتوی

(در حدود 1065 هـ نوشته شد) س.ا.ب 1965م

این کتاب ، تاریخ سند در زمان ارغون و ترخان است. پیر راشدی «پیش گفتار» به 47 صفحه نوشته است و درین خانواده ارغون سند، خانواده ترخان (ص 1 – 2) را روشن کرده است .

مأخذ تاریخی و ادبی و فرامین که در سند دربارۀ سند تألیف شده است از ص 4 تا 16 آورده است . پیر راشدی ، درین کتاب اشتباهات تاریخی را هم نشان داده است (ص 24) می بینیم که پیر راشدی تاریخ سند ، در زمانه ارغون و ترخان را بتحقیق و تدوین بسیار مشقت نموده و واقعاً قابل تحسین است .

10 – مکلی نامه : تألیف میر علی شیر قانع تتوی ، س.ا.ب. حیدرآباد 1967م(در سال 1174 هـ نوشته شده)

متن این کتاب 94 صفحات دارد . پیر راشدی به تدوین و ترتیب این کتاب بسیار عرق ریزی کرده است . مقدمه ، تعارف ، حواشی ، و ضمائم و اضافه ، و درستیها هم به زبان سندی نوشته است. مقدمه 40ص ، حواشی 1 – 678ص. ضمائم ص 689 تا ص 733 و اضافه و درستیها از ص 734 تا 743 می باشد. عکسها از شماره 137 دیده می شود .

پیر راشدی سائر گورستان مکلی از مسجد جامع تا آخرین آرامگاه های را آشکار کرده است و مهم ترین شخصیتهای مانند پیر(19) مراد شاه شیرازی ، سید محمود جلال، شیخ حماد جمالی (2) و فرمانروایان جام نظام الدین (21) سمو عرف جام تندو ، میرزا عیسی(22) خان ترخان ثانی وغیره باتفصیل و با تحقیق احوال شان گرد آورده است. و تاریخ سند ، خصوصاً مکلی و تهته را روشن کرده است.

11 – حدیقۀ الاولیاء : تألیف سید عبدالقادر بن سید هاشم بن سید محمد تتوی ؟ نصر پوری س.ا.ب. 1967م.

این کتاب از محقق بزرگ سندی ، در زمینۀ تاریخ وسیر و عرفان و ادب و شعر در سال 1016هـ نوشته شده . سید عبدالقادر مولف این کتاب از تحقیق معلوم شده که اصل نصرپوری بوده .

پیر راشدی « مقدمۀ » این کتاب را به سندی به 94 صفحات نوشته است و تذکره های بزرگان (23) حضرت مخدوم نوح هاله کندی و مشائخ کهره ، سادات متعلوی و تذکره سادات بکهری وغیره هم با تفصیل بحث کرده است و از کتابهای خطی زیاده تر استفاده کرده است.

این کتاب ، از ذکر بهاء الدین زکریا ملتانی شروع می شود و دیگر بزرگان و عارفان باین طور است ، ذکر شیخ صدرالدین ملتانی ، شیخ رکن الدین قدس سره ملتانی ، ذکر عثمان شهباز قلندر مرندی سیوستانی، ذکر شیخ حماد جمالی تتوی مدفن مکلی، ذکر شیخ نوح بکری قدس سره ، مدفن قلعه بکر ، ذکر مخدوم بلال ، مدفن باغبان (تلتی) ، ذکر مخدوم نوح هالائی وغیره و آخرین (41) ذکر درویش آلو (24) مدفن کناره سانکره.

در پایان تذکره های علماء وعرفاء و درویشان یک « رساله » در شرح حال سید عبد الهادی معروف به جمیل شاه گرناری ، تألیف سید عبدالقادر بن هاشم الحسینی تتوی / نصر پوری شامل کرده شده است.

12 – تذکرۀ روضۀ السلاطین و جواهر العجایب (مع دیوان فخری تألیف سلطان محمد فخری بن امیری هروی) س.ا.ب 1968م.

این تذکره در دورهٔ شاه حسن ارغون و میرزا عیسی ترخان ، در دارالسلطنت تته در حدود 958 و 962 هـ نوشته شده.

پیر راشدی ، دربارهٔ تاریخ تذکره نویسی این حقیقت را واضح می کند که بنیاد تذکره نویسی در زبان فارسی از سند شروع می شود و از آمار ذیل اندازه باید کرد (15)

1 – تذکرهٔ شعرا: در ملتان نوشته شد، قبل 600 هـ

2 – لباب الالباب : عوفی در سند تألیف شد 625 هـ

3 – تذکرهٔ الشعرا: دولت شاه 692 هـ

4 – مجالس النفائس : میر علی شیرنوائی 896 هـ .

5 – روضهٔ السلاطین فخری هروی بعد از 953 هـ

6 – جواهر العجایب : فخری هروی در حدود 962 هـ

7 – مذکر الاحباب : حسن نثاری بخاری 984هـ

پس ما می بینیم که از لحاظ موضوع تخصیص آغاز تذکره نویسی سند است.

پیر راشدی احوال و آثار فخری هروی نوشته و مصادر(26) کتابهای بیست وسه نشان داده است و تألیفات فخری هروی و نسخه های خطی که استفاده نموده است و دور عیسی خان ترخان وغیره از ص 16 تا 77 نوشته است.

1 – تذکرهٔ روضهٔ السلاطین 108 صفحات دارد و باب اول (ص 5 – 20) از بهرام گور ، دیگر شعرای قدیم سلطان محمود غزنوی وغیره

باب دوم (ص 21 – 30) محمد خان شیبانی اوزبک تا سلطان سعید کوهکن » ولد ابوسعید خان – همین طور باب سوم تا باب هفتم (ص 99 – 108) به شاه حسن ارغون ولد شاه بیگ ارغون پایان میرسد.

2 – تذکرهٔ جواهر العجایب (ص 109 – 142)

درین تذکره سی شاعره بانو ذکر شده است (ص 117 تا 140)

3 – دیوان فخری هروی (ص 143 – 181)

پیر راشدی در پایان این مجموعهٔ « جواهر العجایب » دیوان فخری را از « تحفهٔ الحبیب » و « محک مرتضائی » یک جا گرد آورده یکصد و یک غزل ضمیمه (27) کرده است.

4 – تعلیقات (ص 185 – 305)

روضهٔ السلاطین ص 185

جواهر العجایب ، ص 287

5 – سلاسل (صفحات مختلف)

سلسلهٔ سلجوقیان روم 196

سلسلهٔ خانان مغولستان 213

سلسلهٔ شیبانیان 216

سلسلهٔ اولاد بایقرا میرزا 222

سلسلهٔ شعرای آل تیمور (A.B) 252

سلسلۀ آل مظفر (شیراز) 254
سلسلۀ شیخ حسن بزرگ ایلخانی جلایر 262
سلسلۀ حسام الدین علی غوری 274
سلسلۀ ماه بیگم ارغون 288
6 – فهارس
فهرست مصادر ص 307
فهرست نامها ، ص 313
فهرست اماکن 330
فهرست کتب 336
13 – تذکرۀ شعرای کشمیر (تکملۀ تذکرۀ شعرای کشمیر محمد اصلح میرزا) بخش اول (آزاد تا شیدا) اقبال اکادمی کراچی 28 اکتبر 1967م
14 – همان ، بخش دوم (صبا تا غیوری) همان ، 31 ژانویه 1967م
15 – همان ، بخش سوم (فانی تا میمنت) همان 31 مارس 1968م
16 – همان ، بخش چهارم (نادر تا یوسف) همان 1969

پیر راشدی ، اشعار سرودۀ شاعران کشمیر ، بجمع این اشعار در میان سالهای 1966 – 1969 م توانست این مشکلات را حل کرده ، موفقیت یافت و در نتیجۀ تحقیقات دامنه دار خود دو نسخه، تذکرۀ الشعرای کشمیر تألیف محمد اصلح را در دو کتابخانه پاکستان یکی در کتابخانۀ شخصی ودیگر کتابخانۀ لیاقت پیدا نمود .

این دو نسخه تذکره را که بمرور زمانه خیلی از صحایف آن آسیب کلی دیده بود ، با در نظر گرفتن عیار علمی متن شناسی ، با دقت تصحیح و در عین حال از خیلی منابع ضروری ادبی استفاده کرده است.

پیر راشدی به تحشیه می نویسد«: ازمجمع النفایس، تذکره شعرای قدیم ، صحف ابراهیم ، همیشه بهار ، آفتاب عالمتاب ، و تعدادی از کتب و جُنگهای دیگر استفاده کردم و کمتر تذکره ای است که مورد استفاده اینجانب قرار نگرفته باشد.... در هر حال این اولین دفعه است که ذکر احوال نمونۀ اشعار 305 تن شاعر پارسی گوی کشمیر را در یک کتاب واحد یکجا جمع می بینیم (28)

پیر راشدی ، در پایان آخرین جلد چهارم ، تذکرۀ شعرای کشمیر ، دربارۀ چگونگی جمع آوری این بخش اشعار توضیحات قابل توجهی داد و می نویسد :« از مطالبی که در این کتاب آمده است می توان به آسانی پی برد ، که هرچه شعرای پارسی دربارۀ کشمیر سروده اند وصف هیچ جای دیگر و حتی هیچ مملکتی هم نسروده باشد. اگر تمام اشعاری که بوصف کشمیر به پارسی سروده شده است یکجا گرد آوری شود ، اقلاً دو برابر حجم کلیۀ آثار سعدی خواهد بود . و این افتخار شاید نصیب هیچ جای دیگر نشده باشد » (29) .

این تألیف راشدی دارای جنبه های خاصی است که ما آنرا در هیچ یک از منابع موجوده و تذکره های معمولی برخورد نمی کنیم و اشعار شاعران درین تذکره داخل شده ، 29364 بیت می باشد، که

قسمت عمده آن همان اشعارست که در وصف کشمیر سروده اند . مؤلف در تهیه و نگارش تراجم احوال شعرا و انتخاب اشعار آنها بیشتر از پانصد منبع ادبی و تاریخی را مورد مطالعه قرار (30) داده است.

پیر راشدی دربارهٔ این موضوع تشنه کامی خود را باین طور اظهار می کند: « هر چند سعی کرده ام ذکر تمام شعرای کشمیر را یکجا جمع آوری کنم ، اما این کار از عهدهٔ اینجانب خارج بود و فکر می کنم هنوز تخمیناً صد شاعردیگر مانده که از آنها ذکری در تذکره نیامده است (31)»

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر عافیت، باید چشید

17 – تحفهٔ الکرام – مؤلف : میر علی شیر قانع تتوی

بخش اول (1181 هـ) مجلد سوم س.ا.ب. اکتبر 1971م (تاریخ سند)

پیر راشدی ، در « حرف آغاز » (ص 19) دربارهٔ مولف این کتاب می نویسد: «میر علی شیر قانع از خانوادهٔ معزز و محترم سادات دشتکی شیراز بود و جد او سید شکر الله شیرازی در زمان شاه بیگ ارغون وارد قسمت مفتوحهٔ سند شده و در تهته به پست جلیل شیخ الاسلامی فایز گشت . همچنین امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله شیرازی مولف ، «تحفته الاحبا» و میر اصیل الدین عبدالله مولف، « درج الدرر» و« مزارات هرات» از اجداد وی بوده اند»

کتاب « تحفته الکرام » مشتمل بر سه جلد بقرار ذیل است .

جلد اول : مشتمل بر ذکر احوال انبیاء و اوصیا ، وحکما وملوک و خلفا وسلاطین اسلام است.

جلد دوم : بروش « هفت اقلیم » مشتمل بر ذکر احوال ملوک و امرا و اعیان واولیاء و سادات و فضلا و اهل هنر بلده بترتیب اقالیم سبعه است . (نسخه های خطی این هر دو جلد برای چاپ سندی ادبی بورد موجود اند،

جلد سوم : این جلد مشتمل بر تاریخ واحوال مشاهیر سند است که سه قسمت (32) ذیل دارد و باهتمام و حواشی سید حسام الدین راشدی به سال 1971م چاپ شده :

الف : در تاریخ سیاسی پیش از اسلام تا زمان کلهوره (1181 هـ)

ب : در ذکر شهرها و قصبات سند و شرح حال مشاهیر رجال علمی و ادبی آنجا.

ج : در ذکر احوال دارالحکومت تهته و مشاهیر و ادبا و شعرا و علما و اولیای آنجا در ذکر کسانیکه در گورستان مکلی دفن شده اند .

این کتاب «تحفهٔ الکرام » جلد سوم تصحیح و تحشیه و تعلیقات پانصد صفحه دارد.

فهرست مصادر از صفحه 501 تا 506 است.

ـ عکسها ، صفحه اول تحفته الکرام بخط مصنف ص 509 تا ص 511و مقبره های کوه مکلی ص 512 تا 532 ، کتیبهٔ قبر میرزا عبدالعلی ، حکمنامه میرزا عیسی خان ترخان و میرزا محمد باقی و مهر و دیگر عکسها از صفحه 533 تا صفحه 615 دیده می شود.

ـ سلسلهٔ حکام ولاهٔ عرب ، در سرزمین سند ومکران از ص 619 تا صفحه 623 با تفصیل داده شده است ، همین طور ولاهٔ عرب در سند . زمانه عباسی دوره آخر دولت هباریه به ص 624 نوشته شده است پیر راشدی ، درین تاریخ سند وقایع را سپرد قلم نموده کار بسیار لایق تحسین کرده است.

علاوه ازین پیر راشدی در موقع مراسم صد سالهٔ غالب دهلوی ، کتاب «دود چراغ محفل » (اردو) نوشت و از ادارهٔ یادگار غالب کراچی 1969م چاپ شد و نیز دیگر کتاب بزبان اردو « میرزا غازی بیگ ترخان اور اس کی بزم ادب » نوشت و احوال و آثار این آخرین فرمانروای سند و ذکر 35 شعرا درین کتاب آورده است .

امین الملک « نواب میر محمد معصوم بکهری » (944 هـ - 1014هـ) (سندی)

این کتاب تألیف پیر راشدی است و س. ا. ب در 1979م چاپ کرده .درین کتاب احوال بزرگان میر معصوم و حسب و نسب با تفصیل بیان شده و این کتاب سی باب دارد. باب 29 مشتمل بر عنوان « شعر» است و باب 3 کتیبهای دارد و ماخذ از ص 375 تا ص 379 داده شده است. عکسها و نقشه ها از ص 381 تا ص 492 ملحق هستند نمونه ابیات میر معصوم بکهری (33)

چون گریهٔ من دید،نهان کرد تبسم — پیداست که این گریهٔ من ، بی اثری نیست

***

در عشق نشه ایست ، که عشاق خسته را — ذوقی ست در فراق که ، اندر وصال نیست

نمونهٔ رباعیات :

در مذهب ما جمله یکسان می باش — در دایرهٔ کفر بایمان می باش
این است طریق عشق جانانهٔ ما — زنّار بگردن و مسلمان می باش

***

گه نالم و گه ز ناله خاموش کنم — باشد که ز جای سخنت گوش کنم
فارغ ز خیال تو نیم یک نفسی — ترسم که دگر نفس فراموش کنم

غزلیات (35): (ص 279 تا 313 است)

مصلحت نیست که بی پرده جمالش نگری — دیده بر دوز که چشم تو حجاب نظر است
نامیا! قطع منازل کن و از پا منشین — ره بسر منزل مقصود این بیشتر است

***

بی روی تو در دیدهٔ من نورنماندست — یک ذره توان ، در منِ مهجور نمانده ست
پیوسته بتان را سوی عشاق نظر بود — این قاعده در عهد تو ، منظور نماندست
دور از تو مرا حال بمردن شده نزدیک — تا مرگ زمن یک نفسی دورنماندست
هجران تو «نامی» صفتم تافته پنجه — بازوی مرا طاقت این زور نماندست

دیگر «رباعیات» (از ص 313 تا 326)

ای در تو نـهان، ز خاک تا اوج سما | چون آئینه ساز جوهر جان زصفا
رو قطرهٔ دل چو ساحت دریا کن | تا محرم شود قطره درون دریا

(ص 313)

از وصل تو صدگونه دل من ریشست | و زهجر توام قیامتی در پیش ست

دم در کشم و نفس به بیرون نکشم | کز دل تا لب هزار فرسخ بیش ست

***

عشقت نه متاع هر خریدار بود | او را در جهان بهای یک تار بود
گل نیست که در کوچه و بازار بود | یا مشک که در دکان عطار بود

(ص 317)

«نامی» نیم آنکه عهد مشرب شکنم | گر توبه کنم بروز در شب شکنم

گر توبه ، زدل برآیدم، باکی نیست | صد توبه نارسیده بر لب شکنم

(325)

ماخذ و منابع

1 – محمد حسین تسبیحی :« فارسی پاکستانی و مطالب پاکستان شناسی» جلد دوم ، ص 396، اسلام آباد 1977م
2 – مثنوی چنیسر نامه : امیر شاه قاسم خان ادراکی بیگلار ، متوفی 1019هـ) ، سندی ادبی بورد ، کراچی 1956
3 – همان ، ص 7 تا ص 15
4 – مقالات الشعراء : قانع تتوی، سندی ادبی بورد ، کراچی 1957م
5 – همان ، ص 895 تا ص 902
6 – همان ، آغاز ص 43
7 – مثنوی مظهر الاثار : سید شاه جهانگیر هاشمی ، س.ا.ب کراچی 1957م
8 – همان ، صص 145 – 146.
9 – تکملهٔ مقالات الشعرا – مقدمه ص 23، س.ا.ب. 1958م
10 – مثنویات و قصاید قانع ، میر علی شیر قانع تتوی ، س.ا.ب. 1961م ، رجوع کنید ، ص 1 – تا ص 42.
11 – همان ، ص 4 تا 8.
12 – هشت بهشت : ملا عبدالحکیم « عطا» تتوی س.ا.ب، 1963م، مقدمه ص 5 تا ص 82.
13 – همان ، متن ، ص 330
14 – همان ، متن ص 321.

15 – تاریخ مظهر شاهجهانی ؛ یوسف میرک بن ابوالقاسم «نمکین» بکهری ، صص 77 – 78 ، س.ا.ب 1962م

16 – همان، از ص 256 تا ص 330

17 – منشور الوصیت و دستور الحکومت : میان نور محمد والی سندهـ ص 1، س.ا.ب. 1964م.

18 – همان ، ضمیمه اول از ص 29 تا ص 45.

19 – مکلی نامه : میر علی شیر قانع تتوی س.ا.ب. 1967م ، ص 40.

20 – همان، ص 81.

21 – همان ، ص 91

22 – همان ، ص 241

23 – حدیقهٔ الاولیاء: سید عبدالقادر بن سید هاشم بن سید محمد تتوی، س.ا.ب 1967م ، نصر پوری رجوع کنید از ص 2 تا ص 96.

24 – همان ، ص 239

25 – روضهٔ السلاطین و جواهر العجایب (مع دیوان فخری هروی) : تألیف سلطان محمد فخری بن محمد امیری هروی « آغاز» ص 1 تا ص 3. س. ا.ب.1967م

26 – همان ، صص 11 – 12.

27 – همان ، ص 77

28 – تذکرهٔ شعرای کشمیر (تکملهٔ تذکره شعرای کشمیر) محمد اصلح میرزا بخش اول اقبال اکادمی کراچی 28 اکتبر 1976 م ، ص 20

29 – همان ، جلد چهارم حرف آخر ص 123.

30 – پرفسور عبدالغنی میرزایف (تاجیکستان) « نقش برجستهٔ کشمیر در نظم پارسی وخدمات شایستهٔ دکتر حسام الدین راشدی – مجلهٔ وحید » شماره چهارم دورهٔ نهم ، صص 574 – 575 تهران.

31 – همان تذکره .. جلد چهارم ص 22.

32 – تحفته الکرام : میر علی شیر قانع تتوی (بخش اول) مجلّد سوم « حرف آغاز» س.ا.ب 1971م

33 – امین الملک نواب « میر محمد معصوم بکری» (سندی) تألیف سید حسام الدین راشدی ص 274، س.ا.ب چاپ دوم 2005م

34 – همان ، ص 277

35 – همان ، ص 283